اسناد و شرائط اجازه قرائت

اینکه فرمودید ما باید در علوم قرآنی ضوابطی بگذاریم حرف خوبی است. واقعاً همینطور است. ما در علوم قرآنی نیاز داریم. آقا یک بار کل سوره ایسین را به تلاوت ورش در مباحثه خواندند. همچنین از چیزهایی که تخصص خود شما است، ما خیلی استفاده کردیم. چیزی است که اگر من ببینم مکرر عرض میکنم. ضوابط تخصصی یک چیزی است که اولاً باید مشخص شود، ثانیاً منقح و روشن شود. به این نحوی که الآن میخواهم تواتر را عرض کنم در ضابطه مند کردن مطالب کلاسیک قرائات جایش خالی است. اشکالی هم که میگیرند این است که تواتر از قرن ششم و پنجم در علوم قرآنی آمده.

شاگرد: ابن مجاهد که اصلاً تواتر را انتخاب نکرده، بلکه آنها چنان جا افتاده بوده که انتخاب کرده و بقیه هم بوده اند.

استاد: ما هم از محضر اساتید علوم قرآنی استفاده کردهایم. ما میگفتیم ابن مجاهد قرائت سبعه را آورده و چهارده راوی شد. درحالیکه او تنها هفت را آورده، چهارده راوی آن برای مکی بن ابیطالب و دانی است. شاطبیه بعد از آن است. ابن مجاهد متعدد میگوید. حفص و سه-چهار نفر را نام میبرد.

من در اینجا علامت گذاشتهام که اینها را بگویم. بحارالانوار جلد ۱۰۹، صفحه شصت، چاپ اسلامیه؛ در اجازه نامه صاحب معالم که از پدرشان هم مرتب نقل میکنند ،میگویند:

> ويروي أيضا كتاب طبقات القراء والمقرين ومن تصدر للاقراء من عهد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إلى سنة خمس وثلاثين وأربع مائة لأبي عمرو أيضا بالاسناد عن ابن عبد الودود قال: قرأته على المقرى أبي محمد عبد الصمد بن محمد بن بعيش الغساني قال: سمعته على المقرى النحوي أبي القاسم عبد الرحيم بن محمد الخزرجي[1]

صاحب معالم میگویند ما کتاب طبقات القراء دانی را خواندهایم. الآن این مصحف عثمان طه را نگاه کنید. میگوید این مصحف را طبق رسم حفص از عاصم و ضبط دانی و ابو داوود سلیمان آوردهام. بعد میگوید هر دو کتاب دارند؛ اذا اختلفا رجحنا ابی داوود سلیمان. خود این ابو سلیمان که اینها میگویند او را ترجیح میدهیم شاگرد دانی بوده. صاحب معالم میگویند پدر من با این سندها کتاب طبقات القراء دانی را با اجازه خواندیم. طبقات القراء یعنی چه؟ یعنی داریم اسم میبریم که این استاد بود و شاگردش فلان بود، تا به محضر رسول الله صلیاللهعلیهوآله برسیم. یعنی ببینید طبقات القراء را دانی نوشته. اصلاً کارشان این بود. بعد دوباره ذهبی مینویسد. ابن جزری می آید هنگامه میشود؛ نهایة الدرایات فی طبقات القراء را مینویسد. این کتاب او است که متأسفانه در دستها نیست.

تقریباً نود و نه در صد میتوان گفت کتابی که شهید ثانی در موردش فرمودند «من کتابی از متاخرین ندیدم که به آور است؛ در تمام طبقات الی رسول الله فوق تواتر است»...؛ شهید ثانی این را میفرمایند و میگویند که من این را دیدهام، به گمانم همین نهایة الدرایات ابن جزری است. بعد ابن جزری میگوید این کتاب به قدری حجیم بود که من آن را خلاصه کردم. بحمد الله خلاصه آن در دستها هست؛ غایة النهایة فی طبقات القراء.

در آن جا میگوید آن چه که دانی آورده بود را آوردم. آن چه که ذهبی آورده بود را آوردم. اما بااینحال اضعاف ای ضعفین به آنها اضافه کردم. یعنی میگوید مجموع دانی و ذهبی اگر ثلث باشد، من دو

ثلث دیگر به آن اضافه کردم. این جزری می‌گوید. او جزاف اضافه نکرده است، اسم می برد و وقتی شما به‌دنبال آن می‌روید می‌بینید که شواهد دارد.
شاگرد: طبقات القراء یعنی رجال.
استاد: رجال به‌نحوی‌که مقری و استاد معلوم است و قید آن سماع و عرض است. نه این‌که تنها اجازه باشد. حتی اگر بین قرآن صبر می‌کردند تذکر می‌دهد و می‌گوید من تا اینجا سماع کردم. اگر اجازه می‌دهد تا همین‌جا اجازه می‌دهد. شما اجازه ندارید تا بعدش بروید.
شاگرد: حتی اجازه مشافهة هم هست. می‌گوید من به تو مشافهةً اجازه می‌دهم.
استاد: الآن که من اجازات شهدی را می‌خواندم یاد فرمایش شما افتادم، می‌گفتید در مقام اجازه مقری اجازه نمی‌دهد و حتی اقراء نمی‌کند. این حرف خوبی است. گفتید مقری اصلاً حاضر نیست اقراء کند تا زمانی‌که شاگردش حافظ باشد. این حرف کمی است؟! ما همین‌طور می‌گوییم اجازه داد و رفت! آقا می‌گویند مقری می‌گوید اگر می‌خواهی به اقراء تو شروع کنم، باید حافظ کل باشی.
می‌خواهم عرض کنم فضاهایی است که این شروط بین آن‌ها هست. حالا ما می‌گوییم اقراء یعنی بشنود و یاد بگیرد ولو حافظ نباشد. این حرف ما هم غلط نیست، اما نمی‌توانیم بگوییم آن فضا نیست. عده‌ای برای آن ارزش قائل هستند و این شروط را مراعات می‌کنند.
شاگرد: کسی که چهارده روایت می‌کند باید چهارده قرآن حفظ باشد. یعنی یک ورش، یک حفص، یک ابن عیاش.
استاد: یعنی افراد. حاج آقا زیاد می‌فرمودند. می‌گفتند تیموور لنگ به حافظ شیرازی رسید. مناظره آن‌ها در تاریخ هست. شاید من در فدکیه گذاشته باشم. خیلی جالب است. تیموور به او گفت تو حافظ هستی؟ گفت بله، به چهارده روایت. گفت می‌توانی از حفظ برعکس بخوانی؟ خیلی سخت است. گفت نه. تیموور گفت من به آن صورت هم می‌توانم بخوانم. یعنی تیموور می‌گفت من حافظ هستم و حتی به قدری حافظ هستم که برعکس هم می‌توانم بخوانم. یک نقلی بود؛ نمی‌دانم آقای کربلایی کاظم می‌توانسته بر عکس بخواند یا نه. الآن تردید کردم.
شاگرد: آیه به آیه یا حرف به حرف؟
استاد: نمی‌دانم حاج آقا می‌فرمودند برعکس. توضیح نمی دادند.
شاگرد: می‌فرمودید این مناط در روش استقبالی بوده.
استاد: بعداً از همه این‌ها استفاده می‌کنیم تا ببینید تواتر در قرآن به‌گونه‌ای است که می‌تواند قسم خورد در عالم بشریت چیزی به تواتر قرآن نیست. من این را عرض می‌کنم تا ببینید. تا این‌که ادعا کنم. فقط عینکی می‌خواهد که این‌ها را ذره‌ذره جدا کنید. منظورم تواتر استقبالی را نام ببرم.

---

[1] بحار الأنوار - ط دار الاحیاء التراث؛ ج۱۰۶، ص۶۱

بازبینی #2
ایجاد شده 4 آوریل 2024 08:05:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 مه 2024 15:22:48 توسط ... .